فصلنامه علمی ـ پژوهشی تاریخ اسلام
سال نوزدهم، شماره هفتادوسوم
بهار ۱۳۹۷

نقش شیعیان در تدوین منابع جغرافیایی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۵ تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۱/۲۰

علی غفرانی[۱]

شیعیان، همپای تحولات علمی جهان اسلام در قرن سوم هجری، به‌خصوص نهضت ترجمه، با تکیه بر عقل‌گرایی ویژه شیعی، ضمن پایبندی به مبانی فکری خود، از دانش‌های وارداتی استقبال کردند و به علوم کاربردی از جمله جغرافیا روی خوش نشان دادند. در این مقاله، با استفاده از منابع رجالی شیعی و غیرشیعی، زندگی‌نامه‌ها و تألیفات جغرافیایی و تاریخ‌های محلی موجود، اَشکال و حوزه‌های مختلف مطالعات جغرافیایی دانشمندان شیعی، تا قرن ششم هجری با روش تحلیلی ـ وصفی مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که با وجود از بین رفتن بسیاری از جغرافیانگاشته‌های شیعی در گذر ایام به علل مختلف، سهم آنان در تدوین منابع جغرافیایی چشمگیر بوده است. شیعیان با اینکه اغلب در شهرها و مناطق خاصی تمرکز داشتند، در مطالعات و تألیفات جغرافیایی خود همانند نویسندگان اهل‌سنّت، توجه ویژه‌ای به جغرافیای جزیرةالعرب نشان دادند و به تدوین منابعی درباره قبایل عرب و مساکن آنان و نیز پدیده‌های طبیعی آنجا

۱. دانشیار دانشگاه بوعلی سینا: A.ghofrani@basu.ac.ir.

پرداختند. شیعیان همچنین، آثاری در زمینه معرفی شهرها و مناطق شیعه‌نشین، به‌ویژه شهرهای: عراق، مناطق دارای جنبه زیارتگاهی، شهرهای مأمن و یا مدفن سادات و علویان و در حجمی کمتر، آثاری در زمینه جغرافیای طبیعی و جغرافیای نجومی و انسانی پدید آوردند.

کلیدواژگان: شیعه، نقش علمی شیعیان، جغرافیا، مناطق شیعه‌نشین، مزارات شیعی.

مقدمه

دانش جغرافیا که از دانش‌های وارداتی دوران نهضت ترجمه بود، در قرن سوم هجری، از راه ترجمه منابع یونانی، هندی و ایرانی وارد دنیای اسلام شد. مسلمانان با توجه به وسعت بی‌نظیر سرزمین‌های اسلامی، به این دانش روی خوش نشان دادند و اوّلین تألیفات و تحقیقات جغرافیایی همچون: *صورة الارض* خوارزمی (م. حدود ۲۳۵ق)، *مسالک و ممالک* ابن‌خردادبه (م ۳۰۰ق)، *البلدان* یعقوبی (م ۲۸۴ق) و *فتوح البلدان* بلاذری (م ۲۷۹ق) در قرن سوم هجری پدید آمد. عده قابل توجهی از مسلمانان همانند: ابوالعباس مروزی (م ۲۷۴ق)، تمیم‌بن‌بحر مطوعی (زنده در نیمه اوّل قرن سوم هجری) و سلام ترجمان (قرن سوم هجری) نیز به سفر در بخش‌های مختلف جهان آن روز پرداختند و مشاهدات خود را نوشتند. مسلمانان علاوه بر پژوهش در جنبه‌های علمی این دانش و تألیف آثار جغرافیایی توصیفی و ریاضی و نجومی، آن را در حوزه کاربردی نیز مورد توجه قرار دادند. تاریخ‌های محلی نیز از آنجا که با مقدمات جغرافیایی و یا نقشه و یا اطلاعات اجمالی جغرافیایی درباره یک شهر یا منطقه شروع می‌شدند، با دانش جغرافیا ارتباط پیدا کرده، یکی از منابع جغرافیایی مسلمانان را تشکیل می‌دادند. امروزه، کتاب‌های جغرافیای قدیم و تاریخ‌های محلی، بخش بزرگی از نوشته‌های تاریخی مسلمانان را تشکیل می‌دهد.

در این میان، شیعیان به دلیل گرایشات عقلی، بیش از دیگر فرقه‌های اسلامی به این دسته از علوم، به‌ویژه دانش جغرافیا که هم جنبه عقلی و نظری و هم جنبه کاربردی داشت، علاقه نشان دادند.

شیعیان ـ به طور عام ـ که به علل مختلف سیاسی و فرهنگی از قرن دوم هجری به یک گروه معارض و در عین حال پویا در درون سرزمین‌های اسلامی، به‌ویژه در قلمرو خلافت عباسی تبدیل شده بودند، از طریق تألیف کتاب‌های گوناگون، ضمن تبیین مبانی اعتقادی و سیاسی و کلامی خود، در این راه با فرقه‌های غیرشیعی رقابت نیز می‌کردند. بزرگان شیعه، گاه در فرصت مناسب دست به قیام علیه عباسیان می‌زدند و گاه در جابه‌جایی و انتقال و مهاجرت و تعقیب و گریز به سر می‌بردند. این امر، سبب شده بود تا آنان به نوعی پراکندگی در مناطق مختلف دچار شوند. همچنین، شیعیان با جدیت تمام برای تبلیغ مذهب خود به دوردست‌ها سفر می‌کردند و با فضاهای جغرافیایی متنوع آشنا می‌شدند. از طرف دیگر، علویان پیوندهای خویشاوندی و حتی درگذشتگان و کشتگان خویش را به فراموشی نمی‌سپردند.

همه این عوامل، سبب می‌شد تا شیعیان در گذر زمان برای حفظ روند مبارزاتی و تبلیغی خود، به جغرافیا توجه کنند و در برنامه‌های سیاسی و مهاجرتی و تبلیغی خویش، از اطلاعات جغرافیایی بهره گیرند و با نوشتن تاریخ‌های محلی و مزارنامه‌ها، شهرها و مناطق شیعه‌نشین و زیارتگاه‌های شیعی را معرفی کنند.

منابع جغرافیایی مورد نظر در این پژوهش، به سه دسته: منابع جغرافیای تاریخی، منابع تاریخ محلی و جغرافیای محلی تقسیم شده است؛ منظور از «منابع جغرافیای تاریخی»، آن دسته از نوشته‌های تاریخی است که مطالب آنها شامل اطلاعات جغرافیایی قدیم است و از آنها می‌توان درباره تأثیر محیط جغرافیایی بر وقایع تاریخی، سیر تکامل دولت‌ها و تغییرات مرزی آنها و تاریخ اکتشافات جغرافیایی، استفاده تحقیقاتی کرد. مراد از «منابع تاریخ محلی»، آن دسته از کتاب‌های تاریخی است که موضوع آنها، تاریخ سیاسی و

اجتماعی و فرهنگی یک شهر یا ناحیه است. در مطالب آغازین این دسته از منابع و یا به اقتضای بحث، اطلاعات جغرافیایی اجمالی از شهر یا ناحیه مورد نظر ارائه می‌شود و بزرگان شهر نیز معرفی می‌شوند؛ مانند *تاریخ بخارا* نرشخی و *تاریخ بغداد* خطیب بغدادی. اما «جغرافیای محلی»، به آن دسته از نوشته‌ها اطلاق می‌شود که موضوع آنها بررسی و معرفی ویژگی‌ها و پدیده‌های جغرافیایی و طبیعی یک شهر یا منطقه است؛ مانند *فارسنامه* ابن‌بلخی و *شیرازنامه* زرکوب.

شایان ذکر است که گاه تفکیک تاریخ‌های محلی با جغرافیای محلی، کمی مشکل می‌شود. این نکته نیز قابل توجه است که از میان عالمان شیعه، فقها و متکلمان کمتر به این دانش اهتمام می‌ورزیدند. برخلاف این گروه، محدثان که در طلب حدیث به شهرهای مختلف سفر می‌کردند و اغلب نیازمند اطلاعات تاریخی و جغرافیایی بودند، این دانش را مورد توجه قرار می‌دادند. عالمان رجالی همچون ابن‌شهرآشوب مازندرانی (م ۵۸۸ق در حلب)، بسیار اهل سفر بودند و به تاریخ محلی و جغرافیا توجه می‌کردند تا بتوانند در معرفی رجال و نسب و نسبت آنان، سخن درست ارائه دهند.[۱] با توجه به عنوان مقاله که تبیین «نقش شیعیان در تدوین منابع جغرافیایی» است و بنیان اوّلیه این دسته از منابع، تا قرن ششم هجری شکل گرفته بود و آنچه در سده‌های بعد پدید آمد، به نوعی بر منابع قدیم‌تر متکی بود، در این پژوهش، تلاش‌های دانشمندان شیعی تا قرن ششم هجری مورد توجه قرار گرفته است.

پیشینه پژوهش

شرق‌شناسان درباره فعالیت‌های مسلمانان ـ بدون در نظر گرفتن گرایش‌های مذهبی ـ در دانش جغرافیا و تدوین منابع جغرافیای تاریخی تلاش‌های چشمگیری داشته‌اند. بخشی از

۱. ابن‌ابی‌طی، *الحاوی فی رجال الشیعة*، ص ۷۱، ۷۶ و ۸۶.

تلاش‌های آنان، صرف ترجمه منابع جغرافیایی مسلمانان به زبان لاتینی بوده است. گروهی از شرق‌شناسان نیز به تصحیح انتقادی متون جغرافیای اسلامی همت گماشته و متون قدیم را چاپ و منتشر کرده‌اند. بخش دیگری از تلاش‌های آنان، به بررسی سیر تحول و تکامل دانش جغرافیای اسلامی اختصاص یافته و مقالات و کتاب‌هایی نوشته‌اند که اغلب آنها به فارسی یا عربی ترجمه نشده است. آقای کراچکوفسکی[1] (درگذشته به سال ۱۹۵۱م)، بخشی از این تحقیقات را[2] به‌اختصار و فهرست‌وار معرفی کرده است. کراچکوفسکی در کتابِ یادشده، نوشته‌ها و منابع تاریخی دارای اطلاعات جغرافیایی را به‌تفصیل بررسی کرده است.

درباره نقش شیعیان در تاریخ‌نگاری اسلامی و تاریخ‌نگاری محلی، مقالاتی نوشته شده است؛ اما درباره تلاش‌ها و نقش شیعیان در تدوین منابع جغرافیایی به طور خاص، پژوهشی صورت نگرفته است. سید حسن صدر اشاره گذرایی به برخی تلاش‌های مسلمانان درباره تاریخ‌نویسی دارد[3]. او در کتاب *الشیعة وفنون الاسلام*، در فصل نهم با عنوان «فی تقدم الشیعة فی التاریخ الاسلامی» در ضمن گفت‌وگو از نقش شیعیان در تدوین منابع تاریخی به صورت عام، تعدادی از منابع تاریخی را که شیعیان در آنها به مطالب جغرافیایی پرداخته‌اند، نام برده است[4]. ازاین‌رو، این پژوهش در نوع خود، یک امر جدید تلقی می‌شود.

این مقاله، در دو بخش تدوین گردیده است.

---

1. Krachkovskii.

۲. کراچکوفسکی، *تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام*، ص ۱۲– ۳۲.

۳. صدر، *تأسیس الشیعة لعلوم الاسلام*، ص ۲۳۲– ۲۳۵.

۴. صدر، *الشیعة وفنون الاسلام*، ص ۳۶۲– ۳۶۴.

الف. انواع و اشکال فعالیت‌های شیعیان در تدوین کتاب‌های جغرافیایی و تاریخ‌های محلی

۱. تاریخ شهرها و مناطق شیعه‌نشین

مناطق صفین، بصره و نهروان، نقش بسیار مهمی در تاریخ اسلام و کلام شیعه داشتند. ازاین‌رو، بسیاری از بزرگان شیعه در جهت تجزیه و تحلیل جنگ‌های حضرت علی علیه‌السلام و دفاع از ساحت مقدس آن امام بزرگوار، کتاب‌هایی را با عنوان: *کتاب الجمل*، *کتاب الصفین*، *کتاب النهروان* و *مقتل امیرالمؤمنین* تألیف کرده بودند.[۱] آثار جابر جعفی (م ۱۲۸ق) از یاران امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام، از اوّلین کتاب‌ها در این زمینه بود.[۲]

همچنین، کتاب‌هایی با عنوان *مقتل امیرالمؤمنین* نوشته می‌شد که در آنها ضمن سخن از چگونگی به شهادت رسیدن حضرت علی علیه‌السلام، از ویژگی‌های جغرافیایی کوفه و نجف و محل قبر امیر مؤمنان علیه‌السلام سخن گفته می‌شد.[۳] حسین‌بن‌عبیدالله‌بن‌ابراهیم غضائری (م ۴۱۱ق)، کتاب *مواطن امیرالمؤمنین* را نوشته بود.[۴] شهر نجف نیز به علت واقع‌شدن مضجع شریف امام علی علیه‌السلام، مورد توجه شیعیان بود و عالمان شیعه چندین کتاب با عنوان *تاریخ نجف*[۵] یا کتاب *مزار امیرالمؤمنین*[۶] نوشته بودند.

بخش دیگری از فعالیت‌های جغرافیایی شیعیان، به نوشتن کتاب‌هایی درباره کربلا به عنوان جایگاه شهادت امام حسین علیه‌السلام متمرکز بود و کتاب هایی با عناوین: مشترک *تاریخ*

---

۱. شیخ طوسی، *فهرست*، ص ۵.

۲. نجاشی، *رجال*، ص ۱۲۸ـ ۱۲۹.

۳. همان، ص ۳۹۴.

۴. همان، ص ۱۸ و ۶۹.

۵. آقابزرگ طهرانی، از چند کتاب با عنوان *تاریخ نجف* نام برده است. (*الذریعة*، ج ۳، ص ۲۹۰ ـ ۲۹۱)

۶. نجاشی، *رجال*، ص ۳۹۷.

کربلا،[۱] *مقتل الحسین*[۲] و *زیارة ابی‌عبدالله* علیه‌السلام[۳] تألیف شده بود که منبع اطلاعات جغرافیایی بودند.

شهر بغداد با اینکه مرکز خلافت عباسی سنّی مذهب بود، گاهی مورد توجه عالمان شیعه قرار می‌گرفت و بزرگانی چون حسین‌بن‌عبیدالله غضائری، کتاب‌هایی بـا عنـوان *فـی فضـل بغداد* تألیف کرده بودند.[۴] شاید توجه شیعیان به بغداد، هم از جهت مرکزیت خلافت اسلامی و هم به سبب نزدیکی کاظمین به بغداد، به عنوان مرقد امام هفتم شیعیان در آنجا بود.

شاید این سخن چندان ناصواب نباشد که بگوییم اوّلین پایگاه شیعیان در عـراق بـود. عراق، سرزمینی قدیمی بود که صابئیان، یهودیان و مسیحیان از دوران پیش از اسـلام در آنجا ساکن بوده و عبادتگاه‌های متعدد و بی‌شماری در عراق داشتند. ازاین‌رو، بقایای ایـن عبادتگاه ها توجه برخی عالمان شیعه ساکن در عراق را به خود جلب مـی‌کـرد و بزرگـانی همچون علی‌بن‌محمد عدوی (زنده در نیمه اوّل قرن چهارم) را وا می‌داشت تا کتاب‌هـایی با عنوان *کتاب الادیرة والاعمار فی البلدان والاقطار* بنویسند کـه در آن، بـیش از ۳۰ دیـر و عُمر (معبد مسیحیان) معرفی شده بود.[۵] او همچنین، کتاب *الدیارات* را نوشـت کـه کتـاب بزرگی بود.[۶]

---

۱. آقابزرگ طهرانی، *الذریعة*، ج ۳ ص ۲۸۰.

۲. شیخ طوسی، *فهرست*، ص ۷.

۳. نجاشی، *رجال*، ص ۳۴۱. درباره کتاب‌هایی مانند *مقتل الحسین* و *زیارة ابی‌عبدالله* این نکته قابل ذکر است که این کتاب‌ها درباره قسمت‌های مختلف شهر کربلا و حرم امام حسین علیه‌السلام، نقاط مهمّ کربلا، محلّ قتلگاه، محل قبور شهدا، مسیر آمدن امام حسین علیه‌السلام و نیز مسیری که اسیران کربلا را از آن برده‌اند، مطالب اندکی دارند.

۴. همان، ص ۶۹ و ۳۹۵.

۵. همان، ص ۲۶۴.

۶. ابن‌ندیم، *الفهرست*، ص ۲۲۰. ابن‌ندیم، او را معاصر خود ذکر کرده است. تاریخ دقیق وفات وی، ذکر نشده است.

پس از کربلا و نجف، شیعیان در شهرهای خاصی مانند: کوفه، قم، کاشان، ری، آمـل طبرستان[۱] و بیهق،[۲] تجمع و تمرکز بیشتری داشتند.[۳] این امر، سبب مـی‌شـد تـا آنـان در جهت معرفی این شهرها، تاریخ‌های محلی و کتاب‌های جغرافیایی برای این شهرها تألیف کنند. علاوه بر کتاب‌هایی که درباره کوفه و نجف و کربلا پیش از این گذشت، ابومنصـور آبی (م ۴۲۲ق) کتاب *تاریخ ری* را نوشته بود.[۴] ابن‌اسفندیار (زنـده در سـال ۶۱۳ق) *تـاریخ طبرستان*،[۵] سید ظهیرالدین مرعشی (م ۸۹۲ق) *تاریخ طبرستان*[۶] و خواجه علی رویانی در قرن نهم هجری هم *تاریخ طبرستان و رویان* را تألیف کرده بود.[۷] علی‌بن‌محمـد العـدوی سمیساطی (زنده در قرن چهارم هجری) از علمای شیعه مقیم در جزیره، کتاب *الموصل* را در سال ۳۲۱ هجری تألیف کرده بود.[۸]

درباره شهر قم به عنوان شهر بزرگ شـیعه‌نشـین، بزرگـان بسـیاری قلـم زده بودنـد. علی‌بن‌حسین‌بن‌محمد اشعری قمی (م بعد از سال ۳۸ق) کتاب *تاریخ قم وذکر اخبار العرب الاشعریین النازلین بقم وایامهم وحروبهم* را تألیف کرده بود.[۹] همچنـین، سـعدبن عبـدالله‌-بن‌ابی‌خلف اشعری قمی (م ۳۰۱ق)، کتابی در فضل قم نوشته بود.[۱۰]

---

۱. تهرانی، *الذریعة*، ج ۳، ص ۲۶۱ـ۲۶۲؛ نجاشی، *رجال*، ص ۳۹۰.

۲. ر.ک: ابن‌فندق، *تاریخ بیهق*.

۳. درباره شهرها و مناطق شیعه‌نشین ایران، آقای رسول جعفریان در کتاب *تاریخ تشیع در ایران*، بحث‌های مفصلی کرده است.

۴. تهرانی، *الذریعة*، ج ۳، ص ۲۵۴؛ حاجی خلیفه، *کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون*، ج ۱، ص ۲۷۰.

۵. تهرانی، *الذریعة*، ج ۳، ص ۲۶۲.

۶. همان، ص ۲۶۱.

۷. همان، ص ۲۶۲. تاریخ وفات خواجه علی رویانی، مشخص نیست.

۸. نجاشی، *رجال*، ص ۲۶۴.

۹. تهرانی، *الذریعة*، ج ۳، ص ۲۷۹.

۱۰. نجاشی، *رجال*، ص ۱۷۶ـ ۱۷۷.

درباره تاریخ بیهق به عنوان یکی از شهرهای شیعه‌نشین خراسان، فقط یک کتـاب را می‌شناسیم که توسط علی‌بن‌زید بیهقی معروف بـه ابـن‌فنـدق (م ۵۶۵ق) تـألیف شـده و خوشبختانه موجود است.[۱]

برخی عالمان شیعی، به شهرهای شیعه‌نشین نوعی دل‌بستگی نشان داده و کتاب‌هایی در تمجید و تحسین از این شهرها تألیف می‌کردند؛[۲] مانند *فضل الکوفة*[۳] و گاه این شهرها را با شهرهای دیگر عراق مانند بصره مقایسه می‌کردند و کتاب‌هایی با عناوین *فضـل الکوفـة علی البصرة*[۴] می‌نوشتند. کوفه در این میان، اهمیت ویژه‌ای داشـت و کتـاب‌هـای بسـیاری درباره فضل‌الکوفه نوشته مـی‌شـد.[۵] البتـه بخشـی از مطالـب کتـاب‌هـای فضـل‌الکوفـه، مفاخره‌نامه و فضایل‌نگاری بوده است؛ اما در عین حال، از محله‌ها، کوچه‌ها، باغ‌ها، مساجد و مواضعی مانند قبور پیامبران و صلحا، دارالاماره و نیز قبایلی که در قسمت های مختلـف شهر ساکن بودند، سخن داشتند. همین مطالب، کافی است تا این دسـته از کتـاب هـا بـه عنوان منابع و نوشته‌های جغرافیایی معرفی شوند.[۶]

---

۱. ابن‌شهرآشوب، *معالم العلماء*، ص ۶۹ـ۷۰؛ حاجی خلیفه، *کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون*، ج ۱، ص ۲۶۶.

۲. زکار سهیل، *مقدمه بغیة الطلب فی تاریخ حلب*، ص ۷ـ۸.

۳. به عنوان نمونه، ابراهیم‌بن‌محمد ثقفی صاحب کتاب *الغارات*، کتابی با عنوان *فضل الکوفه* نوشته بود. (نجاشی، *رجال*، ص۱۶ـ۱۷)

۴. محمدبن‌عبیدالله‌بن‌احمد ابوطاهر الزراری، از جمله مؤلفانی بود که کتابی با عنوان *فضل الکوفة علی البصرة* داشت. (نجاشی، *رجال*، ص ۳۹۹ـ۳۹۸)

۵. درباره کتاب‌هایی با عنوان *تاریخ کوفه* در منابعی چون: تهرانی، *الذریعة*، ج ۳، ص ۲۸۱ـ۲۸۳، و درباره *فضل الکوفه*، در کتاب: تهرانی، *الذریعة*، ج ۱۶، ص ۲۷۲ـ۲۷۳، نمونه‌های متعدد ذکر شده است.

۶. تمام کتاب‌های قدیم که درباره بصره و کوفه و فضایل این شهرها نوشته شده بوده، از میان رفته است. بنابراین، نمی‌توان درباره محتوای آنها اظهار نظر روشنی کرد. اظهار نظر مؤلف درباره محتوای کتاب‌های تاریخ بصره و کوفه از طریق مقایسه با کتاب‌هایی مانند: *تاریخ بغداد*، *تاریخ موصل*، *تاریخ بخارا*، *تاریخ نیشابور و شیراز* که به عنوان تاریخ محلی شناخته می‌شوند و هم‌اکنون موجودند، صورت گرفته است.

برخی عالمان شیعی که در شهرهای بزرگ در اقلیت بودند، برای ماندن خود در شهری خاص، با حاکمان آن شهر تسامح و تعامل می‌کردند تا مورد سوء ظن قرار نگیرند و بتوانند ادامه حیات بدهند. شاید بتوان با نوعی تسامح، ابوریحـان بیرونـی (م ۴۴۰ق) در جرجـان، غزنه و خوارزم، و ابونصر فارابی (م ۳۳۹ق) در دربار حمدانیان حلب (حکومت ۳۳۳ـ۳۹۴ق) را از مهم‌ترین نمونه‌ها در این زمینه برشمرد. آنـان ایـن حُسـن نیـت خـود را بـا نوشـتن کتاب های جغرافیایی و تاریخ‌های محلی که خوشایند حاکمان و وزیران قـرار مـی‌گرفـت، نشان می‌دادند.

رقابت‌های قبیله‌ای و مذهبی هـم گـاه منجـر بـه تـألیف کتـاب‌هـای *مثالـب*، و گـاه کتاب های *مناقب و فضایل* و یا *التجمل والمروءة*[1] می‌شد که رنـگ جغرافیـایی داشـتند و اغلب در تمجید و یا بدگویی از یک شهر یا منطقه یا قبیله نوشته می‌شد.

۲. جغرافیای جزیرة العرب

دانشمندان شیعه با اینکه غالباً در شهرهای عراق تمرکز داشتند، از جغرافیای حجـاز و جزیرةالعرب غفلت نمی‌کردند و همانند عامه نویسندگان مسلمان، کتاب‌هایی درباره قبایل عرب، بت‌ها و سکونتگاه‌های آنان مـی‌نوشـتند.[2] کتـاب‌هـاییماننـد: *بنـی‌مـرة‌بـن‌عـرف، بنی‌نمربن‌قاسط، بنی‌عقیل، طی و نیز کتاب بنی‌کلیب* اثر احمدبن‌ابراهیم‌بن‌اسماعیل‌بن‌داود (م حدود ۲۵۵ق) از یاران امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام که به شیخ اهل‌اللغه نیز شهرت داشت، از این دست کتاب‌ها بود.[3] محمدبن‌بحـر رهنـی نرماشـیری (م ۳۴۰ق)، از دیگر عالمان شیعی بود که *کتاب نِحَل العرب* را نوشته بود.[4] هشام‌بن‌محمدبـن‌سـائب کلبـی،

---

۱. به گزارش نجاشی، حسین‌بن‌سعید کتابی با عنوان *التجمل والمروءة* داشت. (نجاشی، *رجال*، ص ۳۱۷) محمدبن‌اورمة ابوجعفر القمی نیز کتابی با همین عنوان داشت. (همان، ص ۳۳۱). همچنین، در کتاب *رجال* نجاشی صفحات: ۲۰۵، ۲۵۴، ۳۳۵ و ۳۸۳، از کتاب‌هایی با عنوان *التجمل والمروءة* یاد شده است.

۲. شیخ طوسی، *فهرست*، ص ۶ و ۲۷؛ نجاشی، *رجال*، ص ۱۸ و ۲۴۰ـ۲۴۳.

۳. نجاشی، *رجال*، ص ۹۳.

۴. تهرانی، *الذریعة*، ج ۲۴، ص ۸۲ـ۸۳.

نسابه معروف کوفی (م ۲۰۶ق)، از جمله دانشمندان و نسب‌شناسان شیعه مقیم کوفه بود که درباره قبایل عرب مطالعات گسترده‌ای داشت و کتاب‌هایی با عنوان: *بیوتات ربیعه*، *بیوتات قریش*، *بیوتات الیمن* تألیف کرد که به احتمال قوی، درباره قبایل عرب ساکن در جزیرة العرب بود[۱]. منظور از بیوتات یک قبیله، در واقع مناطقی بود که قبایل عرب در فصول مختلف سال در آنها سکونت و اقامت می‌کردند. همین محل سکونت‌ها، اطلاعات جغرافیایی است؛ حتی یاقوت حموی در جلد اوّل *معجم البلدان* بیت را به معنای روستا ذکر کرده است.[۲]

گاهی نیز برخی علمای شیعه مانند عیاشی (م ۳۲۰ق) درباره مکه و حرم و مدینه[۳] کتاب می‌نوشتند. آثاری با عنوان *کتاب المیاه* نیز از سوی برخی بزرگان شیعه تألیف شده بود که به احتمال زیاد، درباره چشمه‌ها و آبگاه‌های موجود در جزیرةالعرب بود. از جمله نویسندگان *کتاب المیاه*، عثمان‌بن‌عیسی ابوعمرو العامری الکلابی (زنده تا قبل از سال ۲۰۳ق) از معاصران امام موسی‌بن‌جعفر و امام رضا علیهما السلام بود که در حدیث و روایت‌گری دستی داشت.[۴] کراچکوفسکی که متخصص نوشته‌های جغرافیای اسلامی است، کتاب‌های *المیاه* را به عنوان نوشته‌های جغرافیایی یاد کرده است.[۵]

---

۱. همان، ج ۳، ص ۱۹۵؛ ابن‌ندیم، *الفهرست*، ص ۱۴۲ـ۱۴۳.

۲. یاقوت حموی، *معجم البلدان*، ج ۱، ص ۵۱۹ـ۵۲۲.

۳. ابن‌ندیم، *الفهرست*، ص ۲۷۵.

۴. نجاشی، *رجال*، ص ۳۰۰. در میان لغت‌شناسان عرب در قرن دوم و سوم هجری، نوشتن کتاب *المیاه* در معرفی آبگاه‌ها و چاه‌های واقع در جزیرةالعرب رایج بوده که یاقوت آنها را ذیل عنوان «بئر» آورده است. در این باره می‌توان به کتاب *انباه الرواة علی انباء النحاة* جمال‌الدین قفطی مراجعه کرد که در شرح ادیبان و نحویانی همچون سعیدبن‌اوس‌بن‌ثابت، معروف به ابوزید انصاری آورده که کتاب *المیاه* داشته است. (*انباه الرواة علی انباء النحاة*، ج ۲، ص ۳۱) و در شرح حال سعدان‌بن‌مبارک آورده که کتاب *الارضین والمیاه والجبال* داشته است. (همان، ص ۵۵) احمدبن‌ابراهیم‌بن‌اسماعیل از نحویان بصره، کتاب *اسماء الجبال والمیاه والاودیة* داشته است. (همان، ج ۱، ص ۶۱؛ همان، ج ۴، ص ۳۲۹) یاقوت هم در *معجم الادباء* در شرح حال افراد فوق‌الذکر این مطالب را تکرار کرده است. ابن‌الدمیاطی در ذیل تاریخ بغداد در شرح حال یاقوت حموی آورده که وی نیز کتاب *اسماء البلدان والجبال والمیاه* داشته است. به روایت یاقوت حموی در *معجم الادباء*، هشام‌بن‌محمدبن‌سائب کلبی هم کتاب *المیاه* داشت.

۵. کراچکوفسکی، *تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام*، ص ۳۰ و ۹۹ـ۱۰۰.

برخی عالمان شیعه کتاب‌هایی درباره حج و مناسک آن می‌نوشتند. از آنجا که این دسته کتاب‌ها، حاوی مطالبی در منزلگاه‌های سفر حج، میقات‌ها و مضافات مکه همچون: عرفه، منا و مشعر صفا و مروه بودند، نوعی منبع اطلاعات جغرافیایی نیز به شما می‌رفتند.[۱] احمدبن‌محمدبن‌عیسی اشعری قمی، کتاب *فضائل العرب* و کتاب *الحج* را نوشته بود.[۲]

فدک، برای شیعیان ارزش تاریخی والایی داشت. یکی از عالمان شیعه به نام عبدالرحمن‌بن‌کثیر هاشمی (از علمای قرن دوم) کتابی به نام *فدک* نوشته بود. با توجه به قراین موجود در روایت نجاشی، وی در سده دوم هجری و به هنگام سرکوبی شدید علویان از سوی عباسیان می‌زیست. ازاین‌رو، به احتمال زیاد در این کتاب علاوه بر دفاع از مظلومیت شیعه، از محل وقوع فدک و ویژگی‌های جغرافیایی آنجا سخن رفته بود.[۳]

۳. تألیفات در حوزه جغرافیای طبیعی و حیوانی

آثاری از قبیل: *کتاب الحیوانات*، *کتاب الوحش*، *کتاب‌های طبی*، *داروشناسی* و *کتاب الاغذیة والأشربة*، از جمله کتاب‌هایی هستند که اطلاعاتی را در حوزه جغرافیای طبیعی و حیوانی ارائه می‌کنند. برخی عالمان شیعی در پژوهش‌های خود، کتاب‌هایی با عنوان *کتاب الحیوانات* و *کتاب الحیّات* تألیف کرده بودند.[۴] ممکن است در نگاه اوّل، کتاب‌هایی که به عنوان جغرافیای حیوانی یاد شده‌اند، کتاب‌های حیوان‌شناسی تلقی شوند که البته چندان بی‌راه نیست؛ اما از آن نظر که موضوع آنها معرفی حیوانات و پراکندگی آنان در مناطق مختلف بود و درباره جغرافیای زیستی آنها نیز بحث می‌شد، یک منبع جغرافیایی به شمار

---

۱. نجاشی، *رجال*، ص ۴۰ و ۴۲.

۲. همان، ص ۸۱ ـ ۸۲.

۳. همان، ص ۲۳۵. نجاشی درباره تاریخ وفات وی سخنی ندارد و در سایر منابع نیز زمان مرگ وی، مشخص نیست. از قراین موجود در روایت نجاشی پیداست که وی در قرن دوم هجری می‌زیسته است.

۴. همان، ص ۲۴۰ـ۲۴۳.

می‌روند. یعقوب‌بن‌اسحاق معروف به ابن‌السکّیت (م ۲۴۴ ق) کتاب *النبات* و کتاب *الوحش* نوشته بود.[۱]

گاهی کتاب‌های طبی با عناوین: *کتاب الطب*، *کتاب الاغذیه*، *کتاب الاطعمه* و *کتاب الاشربه* نیز توسط عالمان شیعه نوشته می‌شد.[۲] با توجه به اینکه طب اسلامی بر پایه مواد معدنی و گیاهان و گیاه درمانی بنا شده بود، در این دسته از کتاب‌ها اطلاعات گیاه‌شناسی، غذایی و مواد معدنی که امروزه با عنوان جغرافیای طبیعی شناخته می‌شوند، مورد توجه جدی قرار داشت و از مکان رویش برخی گیاهان و نیز غذاهای بومی سخن می‌رفت.[۳] در کتاب‌های طبی از انواع مفردات دارویی، اعم از گیاهان و مواد معدنی و اجزای بدن حیوانات که کاربرد درمانی و دارویی داشتند و اینکه مرغوب‌ترین این مواد متعلق به کدام نواحی هستند، سخن می‌رفت و مناطق مورد نظر نیز معرفی می‌شدند. درکتاب‌های اطعمه و اشربه نیز خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها معرفی می‌شدند و هر خوردنی و یا نوشیدنی به جغرافیای خاصی تعلق داشت و از منطقه خاصی به دست می‌آمد. همین ویژگی‌ها سبب شده تا بتوان این دسته از کتاب‌ها را از منابع جغرافیای تاریخی دانست.

۴. تألیفات در حوزه جغرافیای توصیفی

کتاب‌های جغرافیای خالص مانند: *المساحة والبلدان* اثر محمدبن‌عبدالله‌بن‌جعفر قمی (م بعد از ۳۰۸ق)،[۴] *الارضین والجبال والاودیه*،[۵] *اسماء الجبال والمیاه والاودیه* اثر

---

۱. همان، ص ۴۴۹.

۲. همان، ص ۳۹، ۸۰، ۸۹ ـ ۹۰، ۲۱۸ـ۲۲۰، ۲۴۳ و ۳۴۹. این کتاب‌ها با کتاب‌های طبی با *طب الائمة* که تماماً حدیثی است، فرق داشت و واقعاً طبی بود.

۳. شیخ طوسی، *فهرست*، ص ۱۱؛ نجاشی، *رجال*، ص ۹۰.

۴. نجاشی، *رجال*، ص ۳۵۵.

۵. همان، ص ۴۴۹. این کتاب، نوشته یعقوب‌بن‌اسحاق السکیت، از علمای قرن سوم هجری (م ۲۴۴ق) می‌باشد.

احمدبن‌ابراهیم‌بن‌اسماعیل‌بن‌داودبن‌حمدون الکاتب الندیم از معاصران امام حسن عسکری علیه‌السلام در قرن سوم هجری نیز توسط برخی عالمان شیعه تدوین و تألیف می‌شد.[1] ابوالحسن محمدبن‌بحر رهنی نرماشیری (م حدود ۳۴۰ق) کتاب *الازمنة والامکنة* را تألیف کرده بود.[2]

در حوزه کتاب‌های مسالک و ممالک باید به کتاب مشهور حسن‌بن‌احمد مهلبی (م۳۸۰ق) اشاره کرد که آن را با عنوان *العزیزی*، به العزیز خلیفه فاطمی مصر (م ۳۸۶ق) هدیه کرده بود.[3]

در زمینه جغرافیای نجومی نیز شیعیان دست طولایی داشتند.[4] احمدبن‌محمدبن‌احمد، معروف به عاصمی (زنده در قرن سوم هجری) کوفی‌الاصل و ساکن بغداد، کتاب *النجوم* را نوشته بود.[5] احمدبن‌علی‌بن‌احمدبن‌عباس (م ۴۵۰ یا ۴۶۳ ق)، کتاب *مختصر الانوار ومواضع النّجوم التی سَمّتها العرب* را نوشته بود.[6]

جغرافیای اقتصادی هم مورد توجه برخی عالمان شیعه قرار داشت و بزرگانی همچون حسن‌بن موسی نوبختی (زنده تا حدود ۳۱۰ق) کتابی درباره ارزاق، آجال و اسعار داشت.[7]

کتاب‌های *الازمنة والامکنة* با توجه به نام کتاب‌ها، احتمالاً مطالب تاریخی و جغرافیای را به صورت ترکیبی داشت.[8]

---

۱. شیخ طوسی، *فهرست*، ص ۲۷؛ نجاشی، *رجال*، ص ۹۳.
۲. تهرانی، *الذریعة*، ج ۳، ص ۱۶۸.
۳. همان، ج ۲۰، ص ۳۷۷.
۴. نجاشی، *رجال*، ص ۱۰۱.
۵. شیخ طوسی، *فهرست*، ص ۲۸؛ نجاشی، *رجال*، ص ۹۳.
۶. نجاشی، *رجال*، ص ۱۰۱.
۷. همان، ص ۶۳.
۸. تهرانی، *الذریعة*، ج ۳، ص۱۳۸. از جمله مؤلفان کتاب‌های *الازمنة والامکنة*، ابوالحسن محمدبن‌بحر رهنی شیبانی نرماشیری کرمانی (م حدودد ۳۴۰ق) بود.

عجایب‌نویسی نیز از حوزه‌های کاری برخی مؤلفان شیعه بود که به تبعیت از فضای غالب بر جوامع اسلامی، کتاب‌های *عجایب العالم* هم نوشته می‌شد.[۱]

۵. تألیفات مرتبط با جغرافیای انسانی

مطالعه در ادیان و اعتقادات غیراسلامی که نوعی جغرافیای انسانی به شمار می‌رفت نیز در میان بزرگان شیعه مرسوم بود و افرادی مانند حسن‌بن‌موسی نوبختی کتاب *الآراء والدیانات* را نوشته بودند[۲] که کتاب بزرگی بود. در این کتاب‌ها نیز ضمن سخن از معابد و سکونتگاه‌های پیروان ادیان مختلف، از جغرافیا و تاریخ محلی سخن به میان می‌آمد. کتاب‌هایی را که درباره فرقه‌های شیعه نیز نوشته می‌شد،[۳] می‌توان به این دسته از کتاب‌ها افزود. باید توجه کرد که پراکندگی فرق و گروه‌های مذهبی در بسترهای جغرافیایی اعم از: شهر، روستا، محله و قبیله اتفاق می‌افتاد و خود این مباحث، سرشار از اطلاعات جغرافیایی است.

کتاب‌های رجالی نیز دسته دیگری از تألیفات شیعیان بود[۴] که ترکیبی از جغرافیا را نیز در خود داشت. نویسندگان کتاب‌های رجالی در معرفی بزرگان و مشاهیر، از محل تولد، تحصیل و اشتغال آنان و نیز سفرها و مشاهدات و خاطرات بزرگان سخن می‌گفتند که در این سخنان، مطالب جغرافیایی موج می‌زد. بسیاری از عالمان شیعه، در این باره قلم زده‌اند.[۵]

---

۱. نجاشی، *رجال*، ص ۹۶.
۲. همان، ص۶۳.
۳. نجاشی، *رجال*، ص ۲۳۳.
۴. همان، ص ۹۴.
۵. همان، ص ۷۴، ۵۱ و ۱۳۲؛ تهرانی، پیشین، ج۳، ص۲۶۷.

۶. تألیف کتاب‌هایی درباره پراکندگی جغرافیایی سادات و علویان

مطالعه کتاب‌های انساب و شجره‌نامه‌های سادات، بیانگر این واقعیت است که سادات شیعی و علوی، به علل مختلف از جمله فرار از فشار حاکمان و دشمنان و یا تبلیغ و دفاع از مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام، بسیار اهل سفر و جابه‌جایی بودند[۱] و با انگیزه‌های مختلف به نقاط دوردست سفر می‌کردند.[۲] سادات و علویان با سفر به مناطق مختلف جهان، اعم از شیعه‌نشین یا غیر شیعه‌نشین[۳] و شهرهای خارج از بلاد اسلام[۴] و با اهداف متعدد اعم از ارضای حسّ کنجکاوی و آشنایی با مناطق مختلف، جمع‌آوری حدیث،[۵] تبلیغ اسلام و مذهب تشیع[۶] یا زیارت اماکن مقدس شیعی،[۷] در مناطق دوردست شرق آسیا و یا به تعبیر کراچکوفسکی جمع‌آوری اطلاعات به نفع دولت‌ها و گروه‌های شیعی،[۸] هم اطلاعات جغرافیایی کسب می‌کردند و هم با شهرهای جدید آشنا می‌شدند.

همچنین، پراکندگی شیعیان و سادات و علویان در شهرهای مختلف و فوت و یا شهادت آنها در غربت و تنهایی، عده‌ای از نویسندگان شیعه را بر آن می‌داشت تا برای حفظ نام این دسته از علویان، کتاب‌هایی مانند *تحفة الطالب فی معرفة من ینسب الی ابی‌طالب* تألیف شود.[۹]

۱. شیخ طوسی، *رجال*، ص ۴۰۷.
۲. شیخ طوسی، *فهرست*، ص ۱۲.
۳. اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۱۳۷ و ۳۰۹ـ۳۱۴؛ نجاشی، *رجال*، ص ۶۴ و ۶۸.
۴. ابن‌ابی‌طی، *الحاوی فی رجال الشیعة*، ص ۵۸.
۵. نجاشی، *رجال*، ص ۶۴ـ۶۵، ۱۷۷ و ۳۹۶؛ شیخ طوسی، *رجال*، ص ۴۱۸ و ۴۲۹.
۶. نجاشی، *رجال*، ص ۳۹۰.
۷. همان، ص ۶۰.
۸. کراچکوفسکی، *تاریخ نوشته‌های جغرافیایی جهان اسلام*، ص ۱۶۳.
۹. تهرانی، *الذریعة*، ج ۲۶، ص ۱۷۰. این کتاب، نوشته سید حسین سمرقندی (م ۲۶۰ق) است.

۷. تألیف کتاب‌های مزارات

بخشی از شیعیان و سادات و علویانی که در شهرهای مختلف پراکنده بودند، در غربت و تنهایی می‌مردند و یا به شهادت می‌رسیدند. این امر، عده‌ای از نویسندگان شیعه را بر آن می‌داشت تا برای حفظ نام این دسته از علویان، کتاب‌های *مزار* یا زیارت تألیف کنند. ازاین‌رو، بخشی از تلاش‌های شیعیان در زمینه جغرافیا، به نوشتن کتاب‌هایی درباره زیارات ائمه علیهم‌السلام[1] و معرفی اماکن زیارتی (مزارهای) شیعیان اختصاص می‌یافت.[2] از جمله این آثار، می‌توان به کتاب *زیارة قبورالائمة* علیهم‌السلام تألیف محمدبن‌علی‌بن‌حسین‌بن‌موسی‌بن‌بابویه قمی شیخ صدوق (م ۳۸۱ق)[3] و کتاب *المزار* ابراهیم‌بن‌محمدبن‌معروف ابو اسحاق المذاری اشاره کرد.[4]

برخی کتاب ها نیز به معرفی تمام بقاع متبرکه شیعه می‌پرداخت. ابوالحسین محمدبن‌بحر رهنی سجستانی نرماشیری کرمانی شیبانی (متوفای ۳۴۰هجری) کتاب *البقاع* را نوشته بود.

بسیاری از بزرگان علویان و شیعیان که حد و مرزی نمی‌شناختند، در طیّ قرن‌ها به مناطق مختلف جهان مهاجرت نمودند و در آنها سکونت می‌کردند و در غربت از دنیا می‌رفتند.[5] کتاب‌های زیارات نیز گستره وسیعی از آفریقا تا شبه‌قاره هند را در بر می‌گرفت. طبیعی است که بیشترین توجه کتب زیارات، متوجه زیارتگاه‌های واقع در عراق بود.[6]

۱. نجاشی، *رجال* ص ۳۹۶ و ۳۹۰.

۲. نجاشی، *رجال*، ص ۱۹، ۳۶، ۱۲۳، ۱۵۶، ۱۷۸، ۲۱۷، ۲۵۲، ۳۸۵ و ۳۸۴.

۳. نجاشی، *رجال*، ص ۳۹۰.

۴. همان، ص ۱۹. تاریخ وفات ابواسحاق المذاری یافت نشد. از قراین موجود در روایت نجاشی می‌توان دوره حیات او را قرن چهارم تخمین زد.

۵. اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۳۰۹ـ۳۱۴ و ۳۲۴ـ۳۲۵.

۶. نجاشی در کتاب *رجال* خود موارد بسیاری از کتاب‌های زیارات را ذکر کرده است.

۸. تألیف کتاب‌هایی در قیام‌ها و مقاتل طالبیان

از زمان به قدرت رسیدن عباسیان (خلافت ۱۳۲ـ۶۵۶ق)، علویان به طور ظالمانه‌ای از گردونه قدرت و سیاست کنار گذاشته شدند و به‌شدت تحت تعقیب و ستم و آزار قرار داشتند.[۱] این رفتار عباسیان، سبب شکل‌گیری قیام‌هایی از سوی علویان شد که اوّلین آنها، قیام محمد (نفس زکیه) و برادرش ابراهیم (م ۱۴۵ق) از نوادگان امام حسن مجتبی علیه‌السلام در عراق و در زمان خلافت منصور عباسی (خلافت ۱۳۶ـ۱۵۸ق) بود. قیام‌های ضدّ عباسی که تا زمان خلافت معتصم عباسی (خلافت ۲۱۸ـ۲۲۷ق) با شدت و ضعف ادامه داشت، از نظر سیاسی و مذهبی بسیار مهم و تاثیرگذار بود و سبب می‌شد تا روح اعتراض و عدالت‌خواهی در میان شیعیان زنده بماند. بسیاری از بزرگان علوی و سادات و شیعیان شرکت‌کننده در قیام‌های ضدّ خلفای عباسی، به طرق مختلف کشته یا شهید می‌شدند. ازاین‌رو، برخی بزرگان شیعه در جهت زنده نگه‌داشتن نام و یاد رهبران این قیام‌ها، کتاب‌هایی را به نام پرچم‌داران این قیام‌ها و با عنوان: *مقاتل الطالبیین*،[۲] *اخبار یحیی‌بن‌عبدالله‌بن‌حسن*، *خروج صاحب فخ*، *اخبار صاحب فخ*[۳] و *خروج محمدبن‌عبدالله و مَقتَلُه*[۴] می‌نوشتند. طبیعی است که در این کتاب‌ها نویسندگان سعی داشتند تا ضمن معرفی مفصل زمان و مکان قیام و شهادت علویان، اذهان و دل‌های شیعیان را به این

۱. اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۳۲۵، ۳۲۸، ۳۳۹ و ۳۴۴.

۲. نجاشی، *رجال*، ص ۳۴۷ـ۳۴۸. کتاب *مقاتل الطالبیین* را محمدبن علی‌بن حمزة‌بن الحسن‌بن عبیدالله‌بن‌العباس‌بن‌علی‌بن‌ابی‌طالب علیهما‌السلام از یاران و معاصران امام علی النقی و امام حسن عسکری علیهما‌السلام نوشته بود.

۳. همان، ص ۲۱۶ و ۲۶۳. کتاب *اخبار* صاحب فخ و کتاب *اخبار* یحیی بن عبدالله بن حسن را علی بن ابراهیم بن محمد بن الحسن بن محمد بن عبیدالله بن الحسین بن علی بن الحسین بن علی بن طالب. ابوالحسن الجوانی نوشته بود که در قرن سوم و چهارم می‌زیسته است.

۴. همان، ص ۲۱۶. کتاب *خروج محمدبن‌عبدالله ومقتله* را عبدالله‌بن ابراهیم‌بن محمدبن علی‌بن عبدالله‌بن جعفربن‌ابی‌طالب علیهما‌السلام نوشته بود. بر اساس قراین موجود در روایت نجاشی، وی در دوران امام موسی کاظم و امام رضا علیهما‌السلام در نیمه دوم قرن دوم هجری می‌زیست.

جهت جلب کنند. کتاب *عمدة الطالب فی انساب آل ابی‌طالب*، تألیف ابن‌عنبه (م ۸۲۸ق) از علمای قرن نهم هجری نیز از جمله کتاب‌هایی است که در باب حرکت‌های سیاسی و اجتماعی بزرگان از آل ابوطالب و علویان تألیف شده است.

ب. مشاهیر جغرافی‌نویس شیعه

از آنچه در صفحات پیشین گذشت، وسعت و کثرت توجه شیعیان به نوشتن مطالب جغرافیایی، به‌خوبی نمایان شد و این نکته نیز به اثبات رسید که غالب دانشمندان شیعی، در کنار تحقیق در حوزه تخصصی خود، از جغرافیا غافل نماندند و هرکدام در حدّ توان خود، اثر یا آثاری با محتوای جغرافیایی تألیف کردند. با این حال، برخی دانشمندان شیعه در جغرافیا متخصص و مُمَحَّض بودند و به تخصص در جغرافیا شهرت یافته‌اند. در اینجا به معرفی برخی از مشاهیر جغرافی‌نویس شیعی اشاره می‌کنیم.

۱. ابن‌واضح یعقوبی (م ۲۸۴ق)

وی جهانگرد بزرگ ایرانی‌تبار است که از روی کنجکاوی عازم سفرهای دور و دراز در شرق و غرب بلاد اسلامی از هند تا مصر و ارمنستان شد و کتاب *البلدان* را از مشاهدات خود نوشت که در آن، یک نمودار عمومی از ولایت‌ها را برای کسانی که می‌خواستند به‌سرعت با آنها آشنا شوند، به دست می‌دهد. یعقوبی این کتاب را در مصر و پس از بازگشت از ارمنستان نوشته است. او شاعر، ادیب و مورخ نیز بوده و کتاب تاریخ یعقوبی او، مشهور و بی‌نیاز از توصیف است. او ظاهراً در علم نجوم نیز دستی داشته و بدان علاقه نشان می‌داده است.[1] او در سراسر کتاب خود، ضمن توجه خاص به جغرافیای انسانی، تمایل به تحلیل عقلی دارد و از گفت‌وگو درباره عجایبی که مؤلفان دیگر دلباخته آن بودند، برکنار مانده است.[2]

---

۱. محمدابراهیم آیتی، مقدمه ترجمه *تاریخ یعقوبی*، صفحات یازده ـ دوازده، شانزده ـ هفده، بیست ـ بیست‌ویک. آقای آیتی که کتاب *تاریخ یعقوبی* را به فارسی ترجمه کرده، شرح حال نسبتاً مفصلی از یعقوبی ارائه داده است.

۲. کراچکوفسکی، *تاریخ نوشته‌های جغرافیای جهان اسلام*، ص ۱۲۵ـ۱۲۷.

۲. علی‌بن‌حسین مسعودی (م ۳۴۶ق)

او به تعبیر کراچکوفسکی، اصیل‌ترین جغرافی‌شناس قرن چهارم هجری به شمار می‌رود. به گستره وسیعی از جهان آن روز سفر کرد و مشاهدات جغرافیایی بسیاری از مناطق مختلف آسیا داشت.[۱] او مشاهدات خود را در کتاب بزرگ *اخبار الزمان* ـ که به گفته کراچکوفسکی در سی جلد بوده ـ و کتاب *الاوسط* جمع کرد و با توجه به مشاهدات عینی خویش، بسیاری از نظریات جغرافیایی پیش از خود را نقد می‌کرد.[۲] متأسفانه، عمده آثار وی از جمله کتاب *اخبار الزمان* و کتاب *الاوسط* او از میان رفته است. مسعودی بیشتر به جغرافیای توصیفی نظر داشت و به سبک قصه‌گویی متمایل بود.[۳] او دقت نظر بسیاری داشته و به همه عوامل جغرافیایی توجه می‌کرد. او به نقشه هم توجه خاص داشت.[۴] او هم به عجایب نظر داشت و هم نژاد و اقوام را مورد توجه قرار داده و شاید اوّلین کسی بود که نظریه وحدت اقوام سامی را مطرح کرده است.[۵]

۳. ابوریحان بیرونی

به تعبیر کراچکوفسکی، وی بزرگ‌ترین شخصیت علمی آن دوران بود.[۶] از جمله عالمان متمایل به تشیع[۷] و متخصص در همه علوم، به‌ویژه عقلی و نظری بود.[۸] او فارغ از تنگ‌نظری‌های مذهبی روزگار خود، به مناطق مختلف سفر می‌کرد و با بزرگان ادیان

---

۱. همان، ص ۱۴۸ـ ۱۴۹.
۲. همان، ص ۱۳۸ـ۱۳۹.
۳. همان، ص ۱۴۳.
۴. همان، ص ۱۴۰.
۵. همان، ص ۱۴۵.
۶. همان، ص ۱۹۴.
۷. همایی، *مقدمه التفهیم*، ص ۵۱ و ۶۵.
۸. کراچکوفسکی، *تاریخ نوشته‌های جغرافیایی جهان اسلام*، ص ۱۹۶.

مختلف مجالست داشت.[۱] او که بیشتر به جغرافیای ریاضی و نجومی نظر داشت، در زمینه جغرافیا نوآوری‌های متعددی از جمله: تسطیح کره، ترسیم نقشه‌های جغرافیایی و محاسبه قطر و مساحت کره زمین داشت که آقای جلال‌الدین همایی ۳۱ مورد از آنها را ذکر کرده است.[۲] او در مدت اقامت خود در جرجان، اعمال رصدی و اکتشافات نجومی داشت و طول و عرض جرجان را اصلاح کرد؛[۳] اما به هیچ وجه، به احکام النجوم اعتقادی نداشت. از کتاب‌های جغرافیایی وی، می‌توان به: *قانون مسعودی* در ریاضی و نجوم، *التفهیم لاوائل صناعة التنجیم*، *تحدید نهایات الاماکن لتصحیح مسافات المساکن* و نیز *مقالید علم الهیئة* اشاره کرد.[۴]

بیرونی به سبب حضورش در هند و دیگر مناطق شرقی جهان اسلام، اطلاعات جغرافیایی مبسوطی داشت و کتاب‌های متعددی در حوزه جغرافیای انسانی و نجومی نوشت. کتاب *التحقیق ماللهند* وی یک کتاب تخصصی در جغرافیای انسانی به شمار می‌رود.[۵] ابوریحان درباره جزر و مد رودهای بزرگ، طول و عرض جغرافیایی و جهت قبله در شهرهای بزرگ، تحقیق و اندازه‌گیری‌های پیشینیان را تصحیح کرده بود.[۶] او همچنین، یک کره جغرافیایی ساخته[۷] و شیوه ساخت آن را در کتاب *تحدید نهایات الاماکن* توضیح داده است. او، اوّلین کسی بود که به قوه علم و فراست، وجود قاره آمریکا را حدس زده بود.[۸]

---

۱. همایی، *مقدمه التفهیم*، ص ۶۵.

۲. همان، ص ۱۱۳ـ۱۱۴ و ۱۱۷.

۳. همان، ص ۳۷.

۴. همان، ص ۳۷ـ ۳۸؛ کراچکوفسکی، *تاریخ نوشته‌های جغرافیایی جهان اسلام*، ص ۲۰۲ـ ۲۰۸.

۵. تهرانی، *الذریعة*، ج۳، ص ۳۳۶.

۶. همایی، *مقدمه التفهیم*، ص ۲۶۱.

۷. همان، ص ۱۲۷.

۸. همان، ص ۱۳۱ـ ۱۳۲.

۴. احمدبن‌ابی‌خالد برقی

برقی (متوفای حدود ۲۸۰هجری) نیز متخصص در جغرافیا بود و بیش از ۱۰ کتاب با موضوع: جغرافیای انسانی، جغرافیای طبیعی، نجوم، بلدان وانساب و رجال نوشت.[۱]

۵. حسین براقی نجفی (۱۲۶۱-۱۳۳۲ق)

وی از آخرین نویسندگان شیعه به سبک قدما و متخصص در جغرافیا بود و چندین کتاب که در عنوان و محتوا همانند آثار پیشینیان بود، در حوزه جغرافیا و تاریخ محلی شهرهای عراق تألیف کرد. وی که ظاهراً در جغرافیای عراق تخصص داشت، کتاب‌هایی با عنوان: *براقیة السیرة فی تحدید الحیرة*، *الحنانة والثورة*، *الجوهرة الزاهرة فی فضل کربلاء ومن حلَّ فیها من العترة الطاهرة*، *عقد اللؤلؤ والمرجان فی تحدید ارض کوفان ومن سکن فیها من القبائل والعربان*، *الیتیمة الغرویة فی الارض المبارکة الزکیة* در تاریخ نجف، *البقعة البهیة* شامل مختصری در تاریخ کوفه، تألیف کرده بود.[۲]

نتیجه

شیعیان در تحولات علمی جهان اسلام، دوشادوش سایر فرقه‌های مسلمان به تألیف کتب مختلف اشتغال داشتند و در قالب فعالیت علمی، به علوم دقیقه و به‌ویژه جغرافیا، در همه جنبه‌های آن توجه ویژه نشان داده‌اند. غالب عالمان شیعی سهیم در نوشتن منابع جغرافیایی، محدث و یا رجالی بودند و با حضور آگاهانه و مداوم خود در متن جامعه اسلامی، در فعالیت‌ها و تحولات اجتماعی ایفای نقش می‌کردند. شیعیان در کسب اطلاعات متنوع جغرافیایی و شناخت جهان، رنج سفرهای دور و دراز را به جان می‌خریدند و مسافرت و جابه‌جایی و مهاجرت آنان، گستره وسیعی از آسیا تا آفریقا را دربرمی‌گرفت.

۱. نجاشی، *رجال*، ص ۷۶.

۲. مقدمه کتاب *تاریخ کوفه*، ص ۲۰ـ۲۱.

اهتمام فوق‌العاده عالمان شیعی در نوشتن کتاب‌های متعدد درباره کربلا، نجف، کوفه و مزارات شیعی، در مواردی رنگ سیاسی و نیز عاطفی داشت و در صدد نهادینه‌کردن اندیشه مظلومیت شیعیان و علویان در طول تاریخ بود. عالمان شیعی در زمینه جغرافیای انسانی، از دیگر گروه های مسلمان پیشگام‌تر و پُرکارتر بودند و در این زمینه، آثار بی‌نظیری همچون: *تحقیق ما للهند* ابوریحان بیرونی پدید آمده است.

تألیف تاریخ‌های محلی از سوی شیعیان درباره شهرهای شیعه‌نشین عراق و ایران، از یک سو بیانگر مشارکت آنان در رقابت‌های مذهبی جاری در سرزمین‌های اسلامی، و از سوی دیگر، نشان‌دهنده اهتمام شیعیان برای حفظ انسجام مذهبی در وهله اوّل، و انسجام قومی و قبیله‌ای سادات در وهله دوم، بوده است.

شیعیان که شاهد رقابت‌های قومی و مذهبی رایج در میان مسلمانان بودند و برای ادامه حیات خود نگرانی داشتند، سعی می‌کردند با مهاجرت به سرزمین‌های مختلف اسلامی و سکونت در آن مکان‌ها، موجودیت خود را حفظ کنند. آنان که خویشتن را بخش جدایی‌ناپذیر از امت اسلامی تلقی می‌کردند، در هیچ‌یک از سرزمین‌های اسلامی احساس بیگانگی نداشتند. ازاین‌رو، با نوشتن تاریخ‌های محلی درباره مناطق سکونتشان، خود را شناسنامه‌دار می‌کردند و حضور خویش را استحکام می‌بخشیدند. توجه به مزارات و مقوله زیارت و زنده نگه‌داشتن نام و یاد مبارزان شیعه در طول تاریخ، از ارکان مهم فرهنگ شیعی به شمار می‌رود.

منابع

۱. آیتی، محمدابراهیم، *مقدمه ترجمه تاریخ یعقوبی*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹ش.

۲. ابن‌ابی‌طی حلبی، یحیی، *الحاوی فی رجال الشیعة*، بازسازی و تدوین: رسول جعفریان، تهران: ۱۳۷۹ش.

۳. ابن‌شهرآشوب، *معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعة*، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۹ق.

۴. ابن‌عدیم، *بغیة الطلب فی تاریخ حلب*، تصحیح و مقدمه سهیل زکار، بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۴ق.

۵. ابن‌عنبه، *عمدة الطالب فی انساب آل ابی‌طالب*، تحقیق محمدحسن آل الطالقانی، منشورات المطبعة الحیدریة، نجف: ۱۳۸۰ق.

۶. ابن‌فندق، علی‌بن‌زید، *تاریخ بیهق*، گردآوری بهمن انصاری، منتشر شده در تارنمای Tarikhbook.ir، ۱۳۶۱ش.

۷. ابن‌ندیم، *الفهرست*، بیروت: دار المعرفة، [بی‌تا].

۸. اصفهانی، ابوالفرج، *مقاتل الطالبیین*، با مقدمه کاظم المظفر، قم: مؤسسة دار الکتاب للطباعة والنشر، ۱۳۸۵ق.

۹. براقی نجفی، *تاریخ کوفه*، ترجمه سعید راد رحیمی، مهشد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۱ش.

۱۰. بیرونی، ابوریحان، *التفهیم لاوائل صناعة التنجیم*، با مقدمه و تعلیقات جلال‌الدین همایی، تهران: مروی، ۱۳۵۲ش.

۱۱. حاجی خلیفه، *کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون*، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۹ق.

۱۲. خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد و ذیل‌های آن*، تحقیق مصطفا عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق.

۱۳. شیخ طوسی، ابوجعفر محمد، *رجال الطوسی*، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۲۰ق.

۱۴. ـــــــ ، *الفهرست*، نجف: المکتبة المرتضویة لاحیاء الآثار الجعفریة، [بی‌تا].

۱۵. صدر، سید حسن، *الشیعة وفنون الاسلام*، تحقیق: سید مرتضی میرسجادی، قم: مؤسسة السبطین العالمیة، ۱۳۸۵ش.

۱۶. ـــــــ ، *تأسیس الشیعة لعلوم الاسلام*، قم: انتشارات علمی، ۱۳۷۵ش.

۱۷. طهرانی، آقابزرگ، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، اعداد و تنسیق: سید احمد الحسینی، مشهد: مؤسسه طبع و نشر آستان قدس رضوی، ۱۴۰۵ق.

۱۸. قفطی، جمال‌الدین، *اِنباه الرُّواة عَلَی اَنباء النُّحاة*، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: مکتبة العصریة، ۱۴۲۴ق.

۱۹. کراچکوفسکی، ایگناتی یولیانوویچ، *تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹ش.

۲۰. نجاشی، ابوالعباس احمدبن‌علی، *رجال*، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۸ق.

۲۱. ولایتی، علی‌اکبر، *نقش شیعه در فرهنگ و تمدن اسلام و ایران*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۹ش.

۲۲. همایی، جلال‌الدین، *مقدمه کتاب التفهیم لاوائل صناعة التنجیم*، تهران: ۱۳۵۲ش.

۲۳. یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابوعبدالله، *معجم البلدان*، بیروت: دار الفکر، [بی‌تا].

۲۴. ـــــــ ، *معجم الادباء*، ترجمه فارسی عبدالمحمد آیتی، تهران: سروش، ۱۳۸۱ش.